

رهیافت برنامه‌ریزی محیط زیست، مبتنی بر حقوق بشر

نسرین مصفا*

دانشیار گروه روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مجید مخدوم

استاد محیط زیست دانشکده ی محیط زیست دانشگاه تهران

ضیاء الدین الماسی

دانش آموخته ی دکتری برنامه‌ریزی محیط زیست، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۶/۱۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۶/۱۶)

چکیده:

پیامدهای مسائل محیط زیستی جنبه‌های معیشت، تغذیه، دسترسی به آب، سلامت و حیات انسان را به نحو بارزی تحت تأثیر قرار داده است. این جنبه‌ها موضوعات حقوق بشری هستند که به طرز بی‌سابقه‌ای با موضوعات محیط زیستی پیوند خورده‌اند. رهیافت‌های برنامه‌ریزی محیط زیست، هنوز برای کمک به تحقق حقوق بشر و پیشگیری از نقض این حقوق توسعه نیافته‌اند. در چنین بستری، تلاش برای تبیین رهیافتی که بتواند ملاحظات حقوق بشری را در برنامه‌ریزی محیط زیست ادغام کند، ضروری می‌نماید. در این مقاله از طریق روش‌شناسی نظری، رهیافت حقوق بشر به برنامه‌ریزی محیط زیست تبیین می‌شود. این رهیافت در برگرفته هفت عنصر است: ۱. توجه به همه ابعاد حقوق بشر؛ ۲. توجه به مسئولیت‌های ناشی از حقوق بشر؛ ۳. نقش دولت و سایر نهادها؛ ۴. توجه به فرایند و نتیجه؛ ۵. توانمندسازی؛ ۶. تحلیل علی و ۷. نقش ارتباطات.

واژگان کلیدی:

حقوق بشر، برنامه‌ریزی محیط زیست، نقش ارتباطات، آب، سلامت.

مقدمه

تا اواخر قرن بیستم، موضوعات محیط زیست و حقوق بشر چندان در ارتباط با یکدیگر طرح نمی‌شدند. مبنای توجه به حفاظت محیط زیست، در قرن نوزدهم، واکنش به آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های کارخانجات، معدن‌کاوی‌ها و رشد شهری از طریق کنترل آلودگی‌های صنعتی، پسماندها و پساب‌ها بود. در این قرن، عقیده بر این بود که توسعه با آلودگی ملازم است (Rydin 2003, p1). در قرن بیستم، همپای رشد اقتصادی بروز مشکلات جدیدی همچون مواد زائد خطرناک و سمی، تخریب لایه ازن، گازهای گلخانه‌ای، بیابانزایی، و جنبه‌های مصرف انرژی به حفاظت محیط زیست اهمیت بخشید. بدین ترتیب اندیشه اندیشمندان و تلاش متخصصین محیط زیست در جهت تعادل بخشی بین بوم سامانه‌ها (Ecosystem) و الگوهای نظام اقتصادی، اجتماعی به منظور دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی بود (همان).

حوزه تفکر فعالان حقوق بشری نیز تا دهه‌های پیشین، به موازات موضوعات محیط زیستی و نه در پیوند با آن، در زمینه‌های سیاسی، حقوقی و فلسفی و طرح قوانین و مناسبات سیاسی و اعتلای مباحث فلسفی محدود بود. لیکن در اواخر قرن بیستم، همبستگی موضوعات حقوق بشری و محیط زیستی مورد توجه جهانی قرار گرفت و رویکردهای فعالان حقوق بشر و محیط زیست به یکدیگر نزدیکتر شد. این امر در بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره انسان و محیط زیست که در سال ۱۹۷۲ در استکهلم سوئد برگزار شد، انعکاس یافته است.^۱ در اصل اول بیانیه مزبور اعلام شد که انسان حقوق اساسی در خصوص آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیط زیستی دارد که کیفیت آن اجازه زندگی با کرامت و توأم با رفاه را به او می‌دهد (بیانیه استکهلم ۱۹۷۲). تقریباً بیست سال بعد در قطعنامه ۴۵/۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد آورده شد که همه افراد [بشر] سزاوار زندگی در محیط زیستی هستند که برای سلامت و رفاه آنان کفایت می‌کند. این قطعنامه جامعه بین‌المللی را به ارتقاء تلاش برای اطمینان از محیط زیست بهتر و سالمتر، دعوت می‌کند. در سال ۱۹۹۲ کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه، در ریودوژانیرو برگزار گردید و در اصل اول بیانیه این کنفرانس (بیانیه ریو ۱۹۹۲) تأکید شد که "انسان‌ها موضوع اصلی هرگونه توسعه هستند. برخورداری از سلامت و توانایی‌های جسمی و روحی جزو حقوق انسان‌ها در انطباق با طبیعت

۱. کنفرانس مذکور در پایان اجلاس دوازده روزه خود مبادرت به انتشار یک بیانیه یا اعلامیه اصولی و یک طرح عملیاتی یا اجرایی با عنوان دستورالعمل ۲۱ نمود که به عنوان اسناد کنفرانس جهانی محیط زیست تلقی می‌شوند. روز افتتاح این کنفرانس، ۵ ژوئن به عنوان روز جهانی محیط زیست تعیین گردیده است. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: <http://www.unep.org/Documents.Multilingual/Default.asp?DocumentID=97&ArticleID=1503>

است. " ده سال بعد در سال ۲۰۰۲، در بیانیه اجلاس جهانی سازمان ملل متحد درباره توسعه پایدار که در ژوهانسبورگ برگزار شد (بیانیه ژوهانسبورگ ۲۰۰۲)، بر همبستگی مسائل محیط زیستی با حقوق مساوی انسان‌ها و منافع همگانی در نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، صحنه گذاشته شد. همچنین، به هم پیوستگی ریشه‌کنی فقر و گرسنگی، عدم تبعیض، بهداشت، محیط زیست پایدار و مشارکت برای توسعه را در دیگر اسناد سازمان ملل متحد می‌توان مشاهده کرد. از جمله: دستورکار ۲۱ (۱۹۹۳) که به عنوان برنامه اجرایی کنفرانس ۱۹۹۲ ریو تنظیم و تصویب شد. همچنین آرمان‌های توسعه هزاره که در آستانه قرن بیست و یکم، در سپتامبر سال ۲۰۰۰، از سوی ۱۹۱ کشور جهان در قالب هشت هدف ریشه‌کنی فقر شدید و گرسنگی، دستیابی به تحصیلات ابتدایی در جهان، ترویج عدالت جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش مرگ و میر کودکان، بهبود سلامت مادران، مبارزه با HIV/AIDS مالاریا و سایر بیماری‌ها، تضمین پایداری زیست محیطی، ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه، تصویب شد^۱.

توجه و تأکید بر به هم پیوستگی موضوعات محیط زیستی و تحقق حقوق بشر در دوران جدید در اسنادی که در پی صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های دوگانه مرتبط با آن به تصویب رسید نیز رفته رفته از صراحت بیشتری برخوردار شد. البته باید ذکر کرد که حقوق محیط زیستی بشر در سطحی گسترده از آیات قرآن و سایر منابع فقه اسلامی قابل استنباط است. مطابق آموزش‌های قرآن کریم، حقوق محیط زیستی بشر، همزمان با خلقت و حضور انسان در محیط زیست به وسیله خالق متعال پیش‌بینی شده است. خداوند، بهره‌برداری از محیط زیست، از جمله آب، هوا و غذای سالم (طیبات) را حق بشر دانسته است^۲. همچنین می‌توان به عنوان نمونه، در ماده ۲۴ پیمان حقوق کودک (نیویورک ۱۹۸۹) توجه اعضاء پیمان به مخاطرات آلودگی محیط زیستی تصریح شده است. همچنین منشور افریقایی حقوق بشر و مردم (بانجول، بیست و ششم ژوئن ۱۹۸۱). که در مواد متعددی از جمله مواد ۲۱ و ۲۴ که به محیط زیست رضایت بخش برای توسعه اشاره دارد. پروتکل الحاقی به پیمان آمریکایی حقوق بشر در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (سانسالدور، هفده نوامبر ۱۹۸۸) که حق داشتن محیط زیست سالم را تصریح می‌کند نیز مثال دیگری از این دست است. پیمان حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) و نیز پیمان حقوق افراد دارای معلولیت (۲۰۰۶) از دیگر اسناد حقوق بشری بین‌المللی هستند که لزوم محیط زیست سالم در آنها تصریح شده است. علاوه

۱. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: www.un.org/millenniumgoals/

۲. برای آشنایی بیشتر به متن سخنرانی دکتر محمد حسن مظفری در مرکز مطالعات حقوق بشر، ۱۳۸۲، مراجعه نمایید.

براینکه در اسناد تعهد آوری که از سوی دولتها به امضاء می‌رسد، بر ارتباط محیط زیست با حقوق بشر صحنه گذاشته شده است، این ارتباط در دیگر اسناد حقوق بشری که ماهیت گزارشی دارند و یا به عنوان ابزارهای امکان تحقق حقوق بشر معرفی شده‌اند نیز تصریح شده است. از جمله گزارش دوره‌ای که تانزانیا در سال ۱۹۸۶ در رابطه با ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مبنی بر حق بهره‌مندی از استانداردهای مکفی زندگی به کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه داده بود و در آن، اقدامات صورت داده در خصوص پیشگیری از فرسودگی و تحلیل منابع طبیعی، بخصوص فرسایش خاک و نیز آلودگی غذا را گزارش کرد (E/1986/3/Add.9). در نهایت شاید بتوان نقطه عطف ارتباط مقوله حقوق بشر با موضوعات محیط زیستی را پرونده "خانم لوپز استرا اسپاین" در خصوص آلودگی فیوم، بو و سروصدای ناشی از فعالیت یک واحد تصفیه‌خانه فاضلاب دانست که در ۹ دسامبر ۱۹۹۴ در دادگاه اروپایی حقوق بشر، در استراسبورگ، مطرح و رسیدگی شد. نظر دادگاه بر این بود که "طبیعتاً، آلودگی‌های شدید محیط زیستی، بر رفاه افراد اثر گذار است و مانع بهره‌مندی آنها از زیستگاهشان است، به طوری که بر زندگی شخصی و خانوادگی آنها نیز تأثیر دارد، حتی اگر به طور جدی سلامت آنها به خطر نیفتد" و بر نقض بند ۸ پیمان اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی رای داد. در بندهای ۱-۸ و ۲-۸ پیمان اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (مصوب دهه ۱۹۵۰)، تصریح شده که هرکسی حق دارد زندگی شخصی و خانوادگی و محل زندگی‌اش... مورد احترام قرار گرفته و رعایت شود. همچنین نباید هیچ تعارضی بین قدرت حکومتی و این حق بوجود بیاید مگر به موجب آنچه قانون مشخص کرده است که به نوبه خود الزام می‌بایست از طریق مردمسالارانه، به منظور... رفاه اقتصادی کشور... یا محافظت در برابر حقوق و آزادی‌های دیگران تدوین شود (Ryland 2005, pp.117-124).

در سال ۱۹۹۷، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد، آقای کوفی عنان، از همه کارگزاری‌های ملل متحد، درخواست کرد که حقوق بشر را در قلب فعالیت‌های خود قرار دهند (Annan 1999). در پی این درخواست، نهادهایی نظیر صندوق کودکان ملل متحد (Jansson 2003, pp.11-12)، تلاش‌هایی را برای تبیین رهیافت حقوق بشر در برنامه‌ریزی توسعه، صورت دادند. نگارندگان با در نظر گرفتن این تجارب، و لزوم توجه به حقوق بشر در برنامه‌ریزی محیط زیست (مصفا، ۱۳۸۳، ص ۱۱-۷ الماسی، ۱۳۸۵، ص ۵۷۸-۵۶۷)، چنانکه در بالا شرح داده شد، رهیافت حقوق بشر را با توجه به ماهیت موضوعات محیط زیستی به عرصه محیط زیست تسری دادند. هدف از این مقاله، تبیین رابطه میان اصول حقوق بشر و برنامه ریزی محیط زیست در یک چارچوب مفهومی تحت عنوان رهیافت حقوق بشر به برنامه ریزی محیط زیست است.

رهیافت حقوق بشر به برنامه‌ریزی محیط زیست، چارچوبی مفهومی برای ترویج و حمایت از حقوق بشر است و از این رو، دیدگاهی ارزشی به برنامه‌ریزی محیط زیست و حفاظت از محیط زیست را بسط می‌دهد. این رویافت پشتوانه‌های حقوقی، سیاسی و فلسفی مستحکمی بر پایه آرمان‌های انسانی برای حفظ و ارتقاء کیفیت محیط زیست فراهم می‌آورد و بطور متقابل ابزارهای توانمندی را برای حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی انسان بدست می‌دهد؛ همچنین فرصت‌های نوینی را برای تشریک مساعی در هر دو زمینه پدید می‌آورد. البته باید توجه نمود که در حال حاضر، موازین یکسان و پذیرفته شده جهانی برای تعریف این رویافت وجود ندارد و صرفاً تلاش‌های متعدد در عرصه بین‌الملل مبین ابعاد و ماهیت آن خواهد بود ولی در عین حال نقطه ثقل و وجه مشترک همه این تلاش‌ها، ارزش‌ها، هنجارهای به رسمیت شناخته شده تحت عنوان حقوق بشر است که در مکاتب دینی و اخلاق و نیز اسناد و پیمان‌های حقوق بشری نهادینه شده و تقریباً همه ملت‌ها و دولت‌ها خود را متعهد به رعایت آن می‌دانند.^۱ این رویافت، چنانکه نگارندگان آن را معرفی می‌کنند مبتنی بر هفت عامل است که در ادامه تشریح می‌شود:

۱. توجه به همه ابعاد و زمینه‌های حقوق بشر

همبستگی موضوعات محیط زیستی با حقوق اساسی انسانها، چنانکه بحث شد، زمینه ای را فراهم می‌آورد تا تلاش‌های نظام مند و برنامه ریزی شده برای حفظ و بهبود محیط زیست در خدمت کمک به تحقق حقوق بشری قرار گیرد. چنین رویافتی باید همه ابعاد و موضوعات حقوق بشر را در نظر داشته باشد و تنها حمایت از دسته خاصی از حقوق را مورد تأکید قرار ندهد. زیرا همانطور که در بند پنج اعلامیه وین به عنوان نتیجه نهایی کنفرانس جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۹۳ در وین برگزار گردید، تصریح شده است، این حقوق، غیر قابل تفکیک، جهانی و وابسته به یکدیگرند.

حقوق بشر، به منظور حمایت و صیانت از زندگی با کرامت انسانی، به رسمیت شناخته شده‌اند و از این رو، از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. **تفکیک ناپذیری** حقوق بشر به این معناست، که به عنوان مثال، نمی‌توان برای انسان با کرامت، بین حق دسترسی به غذای سالم و کافی و حق آزادی بیان و عقیده تفاوتی قائل شد و به بهانه تلاش برای تحقق یکی از این حقوق، حق دیگری را نادیده گرفت و زیر پا گذاشت. همچنین، تحقق هر یک از این حقوق، در گرو رعایت

۱. در مباحث حقوق بشری، می‌بایست توجه داشت که مبانی انشاء و پذیرش این حقوق از کجاست. از دیدگاه اسلام، خداوند، تعیین کننده این حقوق به درستی است. لذا حقوق مورد بحث در این مقاله، یا از جانب شارع مقدس انشاء گردیده یا در سازگاری با احکام الهی، مورد امضای دین قرار گرفته اند.

دیگر حقوق به رسمیت شناخته شده است. برای مثال، حق بهره‌مندی از شرایط آبرومندانه زندگی و سطح زندگی، سلامتی و رفاه از حیث خوراک و مسکن و مراقبتهای پزشکی و خدمات لازم اجتماعی به طور متقابل با حق اشتغال و حق آموزش وابسته است و از این رو، حقوق بشر در **وابستگی متقابل** نسبت به یکدیگر قرار دارند. از آنجا که این حقوق، از سوی هر انسانی و در هر کجا می‌تواند مورد درخواست باشد، حقوق بشر **جهانی** اند. این به آن معناست که نه شرایطی که شخص در پدید آمدنشان نقشی نداشته است، مانند جنسیت، نژاد، سن یا ریشه‌های مذهبی و نه گرایش‌های عقیدتی فرد، نظیر مذهب یا ایدئولوژی سیاسی، نمی‌تواند حقی را از این دسته حقوق، از انسان سلب کند. اصل دیگر حاکم بر حقوق بشر، در ادامه اصول قبلی، باید بیان داشت که این حقوق، **سلب ناشدنی** اند. به این معنا که هر انسانی، برخوردار از این حقوق است. حتی اگر وی هر یک از آنها را مطالبه نکرده باشد یا توانایی مطالبه آنها را نداشته باشد، نمی‌توان او را از حق خاصی محروم کرد.

۲. توجه به مسئولیت‌های ناشی از حقوق بشر

رهیافت حقوق بشر به پاسخگویی مسئولین در قبال مسئولیت‌هایشان تأکید دارد. اگر فردی دارای حقی است، حتما در برابر آن، مسئولیتی بر عهده فرد، گروه یا نهادی برای تحقق آن وجود دارد. در تعامل با محیط زیست، مسئولیت حقوق متأثر از محیط زیست، باید در نظام برنامه ریزی محیط زیست شفاف باشد. در این رابطه، شناسایی مسئول یا مسئولین تحقق حقوق به اندازه تعهد آنها نسبت به مسئولیت شان اهمیت دارد.

حقوق بشر، بسته به ماهیتشان، نیازمند رعایت و احترام و یا حمایت و صیانت و یا تأمین هستند و مسئولیت در قبال تحقق آنها نسبت به این جنبه‌ها تفسیر می‌شود (Jonsson 2003, p.21):

- مسئولیت رعایت و احترام، به معنای اینست که مسئول تحقق حق، از اقدام مستقیم یا غیر مستقیمی که مانع بهره‌مندی صاحب حق از حق خود شود، خودداری کند.
- مسئولیت حمایت و صیانت، به معنای اینست که مسئول تحقق حق، برای رفع موانعی که ممکن است دیگران بر سر بهره‌مندی صاحب حق از حق خود بوجود آورند، اقدام‌های لازم را انجام دهد.
- مسئولیت تأمین، به معنای فراهم آوردن زمینه‌های تحقق حق از طریق برقراری مقررات، ترتیبات اداری، ترتیبات قضایی، تخصیص بودجه و ... و یا تدارک احقاق حق از طریق ارائه خدمات و فعالیت‌های مستقیم است.

مفهوم صاحبان حق و مسئولیت، مفهوم بنیادی رهیافت حقوق بشر به برنامه ریزی محیط زیست است. چرا که عامل اصلی تعیین کننده تحقق یک حق، شناسایی مسئولین و مسئولیت های مترتب بر تحقق آن حق و اقدامات لازم مربوط به آن است. مسئول و یا مسئولین احقاق یک حق، پیش از هر چیز می بایست بپذیرند که چنین مسئولیتی را بر عهده دارند. انتظاراتی که قانون تعیین می کند، می تواند مبنای پذیرش مسئولیت قرار گیرد. دوم آنکه مسئول یا مسئولین، دارای *اختیارات و قدرت اعمال* مسئولیت خود را دارا باشند. ممکن است شرایطی وجود داشته باشد که در آن مسئولیت احقاق حق بر عهده فرد یا گروه یا نهاد خصوصی باشد و در عین حال اختیار و قدرت انجام مسئولیت از آنها سلب شده و به افراد، گروه یا نهادهای دیگری واگذار شده باشد. در این شرایط، علی رغم پذیرش مسئولیت امکان ایفای آن وجود ندارد. سوم آنکه *منابع لازم*، برای مسئول یا مسئولین فراهم باشد. یعنی مسئول به شرطی می تواند مسئولیتش را به انجام رساند که مسئولیتش را بپذیرد، از اختیار لازم برخوردار باشد و منابع لازم را در اختیار داشته باشد.

نکته مهم در اینجا، اینست که اگر نمی توان مسئول یا مسئولین احقاق حقی را شناسایی کرد، و یا مسئولین از اختیارات و قدرت لازم برخوردار نیستند، قوانین و مقررات نیازمند بازنگری، تقویت و یا اصلاح هستند، به نحوی که شرایط لازم بحث شده فراهم گردد. همچنین اگر منابع لازم برای احقاق حق در اختیار نیست، به معنای آنست که مسئول یا مسئولینی که وظیفه تدارک، مدیریت و یا حفاظت از این منابع لازم را بر عهده دارند، نتوانسته اند از عهده مسئولیتشان برآیند که به نوبه خود، باید به شرایط حاکم بر آنها توجه کرد.

۳. نقش دولت و سایر نهادها در رهیافت حقوق بشر به برنامه ریزی محیط زیست

دولت ها، توسط حکومت ها، با امضای اسناد حقوق بشر، پذیرفته اند که مسئولیت رعایت، صیانت و تحقق این حقوق با آنهاست. در حقیقت، اسناد حقوق بشر، تنظیم کننده روابط حکومت و افراد از طریق ابزار قوانین حقوق بین الملل است. از این رو، بارزترین نقش در این رهیافت، متوجه دولت است.

گرچه مباحثات زیادی در خصوص تفویض وظایفی که دولت بر عهده دارد به بخش خصوصی یا سازمان های مردم نهاد (NGOs) وجود دارد، لیکن تردیدهای جدی در این زمینه همچنان باقی است (Hashemi-Rad ch.3). اینکه آیا بخش خصوصی در این زمینه ها از توان لازم برخوردار است؟ مشروعیت این بخش از کجا محرز شده است؟ آیا تمایل لازم برای بر عهده گرفتن چنین وظایفی را دارد؟ آیا راه حل های بخش خصوصی، اخلاقی هستند؟

در خصوص بر عهده گرفتن نقش دولت از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد نیز، پرسش‌های مشابهی مطرح است (Lister 2003, pp.175-192 and also Frank 2007, pp.275-295). ضمن آنکه به نظر می‌رسد، این سازمان‌ها، بیش از آنکه به ذی‌نفعان خود پاسخگو باشند، پاسخگوی هیئت‌امنا و یا هیئت‌مدیره خود هستند. در حالیکه، بطور سنتی، دولت‌ها را می‌توان برخاسته از آراء عمومی دانست (صرف نظر از شدت و ضعف مردمسالاری در حکومت‌ها) و آن‌ها را پاسخگو به مردمی دانست که دولت‌ها را انتخاب کرده‌اند.

گذشته از نقش دولت، که در ارجاع به اسناد حقوق بشری، وظیفه قانون‌گذاری، تدوین سیاست‌های مناسب، تنظیم مقررات و تخصیص منابع وظیفه‌مند است، دامنه مسئولیت رعایت، صیانت و تأمین حقوق افراد، چنانکه بحث شد، محدود به دولت نیست. چنانکه در مقدمه هر دو میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است که افراد نسبت به یکدیگر و اجتماعی که به آن تعلق دارند دارای وظایفی هستند و برای تحقق بخشیدن به حقوق مندرج در میثاق، مسئولند.

سازمانهای مردم‌نهاد، نه در جایگاه تفویض شده از سوی دولت، بلکه به عنوان عامل پیشران در توجه دهی به موضوعات حقوق بشری و جریان سالم اطلاعات واجد اهمیت هستند. همچنین بخش خصوصی از طریق درک مسئولیت‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی و عملکرد خود در این حوزه‌ها بر تحقق حقوق بشر، اثر گذار است.

۴. فرایند و نتیجه در رهیافت حقوق بشر به برنامه‌ریزی محیط زیست

در رهیافت حقوق بشر، فرایند برنامه‌ریزی، به اندازه نتایج مورد انتظار آن واجد اهمیت است. لازمه رعایت برخی از حقوق به رسمیت شناخته شده بشری، وجود فرایندهای مبتنی بر مشارکت و دسترسی به اطلاعات است، این حقوق، در عین اینکه هدف برنامه‌ریزی هستند، به عنوان ابزار برنامه‌ریزی نیز مطرحند. برای نمونه، تجارب یونیسف (Unicef 1993) نشان می‌دهد که پایداری در نتایج بدست آمده از اجرای برنامه‌ها منوط به طی فرایندی است که در آن درک یکسان و موافقی از اهداف و نتایج میان دست‌اندرکاران پدید آمده باشد.

۵. ارتقاء توانمندی در رهیافت حقوق بشر به برنامه‌ریزی محیط زیست

چنانکه پیشتر بحث شد، برای اینکه افراد، گروه‌ها، مؤسسات، نهادها و جوامع بتوانند مسئولیت خود را در قبال تحقق حقوق بشری به انجام رسانند، باید از توانایی لازم برخوردار باشند. لذا فرایند برنامه‌ریزی محیط زیست در یک رهیافت حق‌مدار باید به نحوی جهت‌دهی شود که توانایی مسئولین را در ایفای مسئولیتشان ارتقاء دهد. آژانس بین‌المللی توسعه کانادا،

ارتقاء توانمندی را چنین توصیف کرده است: "فرایندی که از طریق آن، افراد، گروهها، مؤسسات، سازمانها و جوامع توانایی خود را در شناسایی و حل چالش‌های توسعه‌ای به شیوه‌ای پایدار ارتقاء بخشند" (CIDA 1996, p.7). بطور مشخص و در پیوند با مسئولیت‌های معطوف به تحقق حقوق، جانسون (Jonsson 2003, p.52) ارتقاء توانمندی را در یک رویکرد حق‌مدار به برنامه‌ریزی توسعه، با موضوعات انگیزش، اختیارات، دسترسی و کنترل بر منابع و ارتباطات، مربوط می‌داند. این امر در حوزه برنامه‌ریزی محیط زیست نیز مستثنی نیست.

به همان اندازه که چگونه با یک موضوع برخورد کنیم و برای بهبود آن اقدام کنیم، چرایی روبرو شدن با موضوع مهم است. دلیل اینکه موضوعی در صدر مسائلی که با آن مواجهیم قرار می‌گیرد و نسبت به حل آن احساس مسئولیت می‌کنیم، *انگیزش برای اقدام* نام دارد. ممکن است، افراد، گروهها یا نهادهای مسئول، علی‌رغم اینکه نسبت به موضوعات محیط زیستی، مسئولیت دارند، از انگیزه لازم برای انجام مسئولیتشان برخوردار نباشند. حمایت‌های با پشتوانه قانونی و ایجاد تحرک اجتماعی نسبت به حقوق انسانی که باید رعایت، صیانت و تأمین شوند و نسبت به آن مسئولیتی بر عهده افراد، گروهها یا نهادهایی است، پیشران قدرتمندی برای این امر به شمار می‌آید.

همچنین مسئول یا مسئولین در قبال تحقق حقوق می‌بایست از اختیارات لازم برای اقدام برخوردار باشند. قوانین و مقررات (و علاوه بر آن نقش سنتی که جامعه بطور غیررسمی برای فرد، گروه یا نهادی قائل است) مشخص‌کننده دایره اختیاراتی است که مسئول یا مسئولین می‌توانند در آن حوزه اقدام کنند. اینکه قوانین چه اختیاراتی را برای انجام مسئولیت به هر کدام از مسئولین دست‌اندرکار (در سلسله مراتب مسئولیت، از مسئول بلافصل تا سازمان‌های بین‌المللی) می‌دهد سواى اینکه نشان‌دهنده الگوی توزیع قدرت در جوامع است، بیان‌کننده میزان نیاز به بازنگری و بهبود قوانین پشتیبان مسئولیت‌ها است. از آنجا که تاکید رویکرد رهیافت حقوق بشر نه تنها بر اقدامات مناسب برای تحقق حقوق است بلکه بر حصول نتیجه (رعایت، صیانت و تأمین حقوق) به همان اندازه اصرار دارد، لذا توجه‌دهی به ضرورت چنین بازنگری‌هایی و اقدامات شایسته و موثر در جهت تقویت و بهبود قوانین بحث شده از طریق سازوکارهای رسمی که در قوانین پیش‌بینی شده و یا پشتیبانی و حمایت جنبش‌های اجتماعی از دیگر عناصر توانمندسازی در رهیافت حقوق بشر به محیط زیست تلقی می‌شود.

جنبه دیگر توانمندسازی و ارتقاء ظرفیت برای اقدام مربوط به دسترسی و کنترل منابع می‌شود. اگر افراد، گروهها یا نهادهایی مسئولیت خود را در قبال رعایت، صیانت و تأمین حقوق بپذیرند و ظرفیت‌های لازم برای تصمیم‌گیری اقدامات مناسب را دارا باشند ممکن است به دلیل ضعف در دسترسی و کنترل بر منابع قادر به اقدام مناسب نباشند. این منابع بطور

سستی شامل منابع انسانی (مهارتها و دانش تخصصی، توان انجام کار، اختصاص زمان و نظایر آن)، منابع مالی، فنآوری و تجهیزات، زیرساخت‌ها و دیگر ابزارهای سخت افزاری و نرم افزاری و نیز منابع سازمانی (ترتیبات اداری و نهادی) می‌شوند.

اطلاعات، یکی دیگر از عناصر کلیدی فرایند برنامه‌ریزی است. مشارکت، ابزار و هدف برنامه‌ریزی است و برقراری جریان اطلاعات بین صاحبان حق و مسئولین لازمه این امر است. اطلاعات کافی، درست و دقیق از وضع موجود به منظور توافق بر سر شناسایی مسئله، دلایل پدید آمدن مسئله، تشریح منابع و در نهایت پایش و ارزشیابی اجرای برنامه و نتایج آن، می‌بایست در اختیار قرار داشته باشد. در عین حال، آموزش برای افزایش توان علمی تحلیل اطلاعات و ارتقاء ظرفیت‌های لازم برای تصمیم‌گیری در میان دست‌اندرکاران، لازمه این رهیافت است. همچنین برای اقدام مبتنی بر رهیافت حقوق بشر، همیاری و توانمندسازی در مهارت آموزی و ارائه خدمات ضروری است.

۶. تحلیل علی در رهیافت حقوق بشر به برنامه‌ریزی محیط زیست

شناخت روابط علی پدیده‌ها این امکان را به برنامه‌ریزان محیط زیست می‌دهد تا به منظور تضمین رعایت حقوق ذاتی بشر، در ارتباط با محیط زیست، اقدامات پیشگیرانه و یا اقدامات اصلاحی را به نحوی انجام دهند که به حذف علت بروز پیامد منفی منجر شود. تحلیل علی، روش شناخته‌شده‌ای برای ریشه‌یابی مسائل و اتخاذ راهبردهای مناسب حل مسئله در انواع برنامه‌ریزی‌ها به‌شمار می‌آید. برای مثال نگاه کنید به دستنامه کمیسیون اروپا (European Commission 2002, pp. 37-38) همچنین، برنامه تحلیل اقتصادی، اجتماعی و جنسیتی سازمان خوار و بار جهانی (FAO 2001, pp.102-112).

به لحاظ روش‌شناختی، هر حقی، دلیل یا دسته‌ای از دلایل در امر رعایت، صیانت و تأمین آن دارد. شدت و ضعف عوامل رعایت حقوق، خود وابسته به عوامل دیگری است و از این رو، دلایل را می‌توان در سلسله‌مراتبی از روابط علی تحلیل کرد. نزدیک‌ترین عوامل به رعایت حقوق، آندسته از عواملی هستند که اثرگذاری بر آنها بصورتی فوری ممکن است، اما دامنه اثر و پایداری نتایج آنها محدود است و به همین ترتیب علل ریشه‌ای، عواملی هستند که اثرگذاری بر آنها نیازمند صرف منابع مادی و معنوی زیادتری نسبت به عوامل بلافصل هستند و به همان میزان از دامنه اثر و پایداری نتایج گسترده‌تری برخوردارند.

به منظور درک درست‌تر و جامع‌تر و نیز بدست آوردن اطمینان نسبی از دخالت دادن حداکثر اطلاعات مرتبط و مؤثر در تحلیل علی، می‌توان از یک چارچوب مفهومی بهره گرفت. چنین چارچوبی کمک می‌کند تا در ترسیم وضع موجود، پشیران‌های بوجود آورنده این وضع،

اقدامات صورت گرفته و ممکن و اثرات آنها تصویر کامل تری بدست آید. چنین چارچوبی می تواند به صورت زیر باشد:

☑ هسته مرکزی تحلیل: حقوق به رسمیت شناخته شده بشری در ارتباط با محیط زیست: شامل حقوق مرتبط با حق زندگی، حقوق جسمی و روانی (نظیر تغذیه و بهداشت)، حقوق اجتماعی، حقوق فرایندی (نظیر آگاهی و مشارکت) هستند. شناسایی این حقوق در مرکز تحلیل ها قرار دارد.

☑ سطح اول تحلیل: عوامل بلافصل رعایت حقوق: این سطح از تحلیل، بیانگر وضع موجود در رعایت حقوق انسانی است. اطلاعاتی که در این سطح از تحلیل ارائه می شود، می بایست این نتیجه را بدست دهد که در وضع موجود حقوق مورد تحلیل، رعایت، صیانت و یا تأمین می شوند یا خیر.

☑ سطح دوم تحلیل: عوامل واسط رعایت حقوق: در این سطح، عواملی قرار می گیرند که بیان کننده دلیل وضع موجودند. میزان دسترسی ها تعیین کننده وجود یا عدم این دلایلند. این دسترسی ها را در دو گروه و چهار زیر گروه می توان دسته بندی کرد:

- دسترسی به منابع، شامل:
 - منابع طبیعی نظیر هوای پاک، آب غیر آلوده، خاک غیر آلوده، بوم سامانه سالم (با تنوع زیستی متناسب آن) و منظر؛
 - کالاهای فرآوری شده از بوم سامانه نظیر غذای کافی و سالم، آب بهداشتی و کافی و انرژی مصرفی؛

- دسترسی به خدمات:
 - خدمات اجتماعی همچون شبکه بهداشت، آموزش، اطلاع رسانی و ...؛
 - خدمات بوم شناختی (Ecologic) مانند اکسیژن سازی و جذب دی اکسید کربن توسط یک توده جنگلی؛

☑ سطح سوم تحلیل: عوامل واسط دسترسی ها: در این سطح، عواملی قرار می گیرند که تعیین کننده میزان دسترسی های تشریح شده در سطح دوم هستند. توان تولید، بیانگر شدت و ضعف این عوامل است. توان تولید را می توان در دو گروه معرفی کرد:

- توان اکولوژیک (شامل اقلیم، خاک و ...):
- توان اجتماعی (شامل دانش و مهارت، فناوری و تجهیزات و منابع مالی)؛

☑ سطح چهارم تحلیل: عوامل ریشه ای: بی گمان یکی از قدرتمندترین نیروهای تغییر دهنده در کره زمین، جوامع انسانی است. تغییراتی که انسان در مدت زمانی کمتر از یک قرن، بویژه در دو صده اخیر بوجود آورده است، با کمتر اغماضی به اندازه تغییرات طبیعی رخ داده

در طول میلیون‌ها سال حیات بدون حضور انسان بوده است. پراکنش انسان در سرتاسر پهنه گیتی، سبب گردیده تا گرایش‌های او در حفظ و یا بهره‌برداری از طبیعت و خواست او در ساخت یا تخریب، تعیین کننده توان تولید باشد. از این رو، عوامل اجتماعی، دلایل ریشه‌ای شدت و ضعف توان بوم شناختی و توان اجتماعی به شمار می‌آیند. این دلایل نیز در دو گروه عمده قرار می‌گیرند:

○ عوامل ساختاری (نظیر مالکیت، ساخت قدرت، جنسیت، نظام حقوقی و عوامل ایدئولوژیک)؛

○ عوامل فرایندی ۱ شامل:

▪ فرایندهای اقتصادی (تولید، توزیع، اشتغال...):

▪ فرایندهای سیاسی (مردمسالاری، روابط بین‌الملل، فساد، صلح یا مخاصمه...)

○ فرایندهای اجتماعی (همبستگی اجتماعی یا از خودبیگانگی، سرمایه اجتماعی، ...):

○ فرایندهای فرهنگی (کاست، تبعیض، سنت‌ها، ...).

این چارچوب با بیان اجلاس ژوهانسبورگ (۲۰۰۲) در بازتعریف عوامل بنیادین توسعه پایدار همخوانی دارد. آنجا که اساس توسعه پایدار را، حکمروایی مطلوب، محیط زیست مناسب، سیاست‌های درست اقتصادی - اجتماعی، نهادهای مردم‌سالار و پاسخگو به نیاز مردم، حاکمیت قانون، مبارزه با فساد، عدالت جنسیتی^۲ و محیطی مستعد برای سرمایه‌گذاری می‌داند.

۷. نقش ارتباطات و گفتمان در رهیافت حقوق بشر به برنامه‌ریزی محیط زیست

از آنجا که محیط زیست مقوله‌ای عمومی و مرتبط با همگان است، برنامه‌ریزی محیط زیست نیز موضوعی فراتر از اقدام حکومتی است. از نظر اندیشمندانی نظیر فیشر (Fischer 2006, pp.19-20) فرایند برنامه‌ریزی محیط زیست، طیف گسترده‌تری از مشارکت‌کنندگان را در بر می‌گیرد که اصطلاحاً به آنها "دست‌اندرکاران" گفته می‌شود. استون (Stone 1989, pp.18-19) نیز بر این باور است که دولت به تنهایی قادر نیست به تدوین سیاست‌های مناسب محیط زیستی پردازد و مشارکت دیگر گروه‌های ذی نفع را در این رابطه مطرح می‌سازد. این عقاید تا آنجا گسترش می‌یابد که برخی را متقاعد ساخته که برنامه‌ریزی محیط زیست یک فرایند سیاسی است که وجه مشخصه آن ابعاد بوم شناختی آن است (Dryzek 1990, p.65). بدین ترتیب،

۱. مرز بندی روشن و پذیرفته شده‌ای برای طبقه بندی عوامل فرایندی نظیر اشتغال یا بیکاری و تبعیض یا برابری وجود ندارد.

۲. با توجه به احکام دین مبین اسلام، مناسب تر آنست که بجای عبارت تساوی جنسیتی، عبارت "عدالت جنسیتی" بکار برده شود. بی توجهی به بار معنایی عبارات مزبور سبب می‌گردد تا نه تنها به احقاق حقوق زنان و کرامت انسانی آنها کمکی نشود بلکه زمینه ظلم به زنان در حوزه های مختلف فراهم آید.

در جائیکه مشارکت دست‌اندرکاران در برنامه‌ریزی محیط زیست، به عنوان یک عامل اصلی مطرح می‌شود، ارتباطات و گفت‌وگو در این فرایند، نقش کلیدی دارد.

در ره‌یافت حق‌مدار به برنامه‌ریزی محیط زیست، مشارکت در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها و گفت‌وگو مرتبط با آن، میان صاحبان حق و مسئولیت شکل می‌گیرد. بنابراین به موازات دسترسی به اطلاعات، به عنوان یک حق بشری، امکان و توانایی برقراری ارتباط مؤثر میان دست‌اندرکاران باید وجود داشته باشد. بنابراین، تلاش برای ایجاد ساختارهای سازمانی و ترتیبات اداری مناسب که ارتباط مؤثر، برابر و متقابل میان صاحبان حق و مسئولین را تضمین کند، در این ره‌یافت، ضروری است. ممکن است ساختارها و ترتیبات رسمی، برای اینکه گفت‌وگو بین صاحبان حق و مسئولیت صورت پذیرد ناکافی باشد، بخصوص در شرایطی که مسئولین در سطوح دورتر از صاحبان حق (نظیر سطوح دولت ملی یا سازمان‌های بین‌المللی) قراردارند و یا صاحبان حق، در زمره گروه‌های آسیب‌پذیر (زنان، کودکان، سالمندان، افراد دارای معلولیت و...) هستند، در این شرایط، اتخاذ راهبردهایی که صدای آنان را در گفت‌وگو بین دست‌اندرکاران وارد کند، از جمله راهبردهای حمایتی از سوی نهادهای مدنی و رسانه‌ها ضروری است. لازم به یادآوری است که برای اتخاذ راهبرد مناسب در این زمینه، باید به شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم در توزیع قدرت میان جوامع، توجه شود. در هر صورت، برنامه‌های آگاهی‌رسانی، جزء مؤثر این راهبردها خواهند بود.

البته بر این نکته مهم باید تأکید شود که احقاق حقوق به رسمیت شناخته شده بشری نیاز به اقدام فوری، جدی و همه‌جانبه‌ای دارد و برنامه‌ریزی محیط زیست با رویکرد حق‌محور، تنها یکی از سازوکارهای پشتیبان این امر است. همچنین توجه به این حقوق، سطح حداقلی از آرمان‌های انسانی است که در پی اعتلای آگاهی و اخلاق در میان انسان‌ها، ارتقاء خواهد یافت. به بیان دیگر، اگرچه قلب ره‌یافت حقوق بشر به برنامه‌ریزی محیط زیست را حقوق به رسمیت شناخته شده انسانی تشکیل می‌دهد، این ره‌یافت نافی تلاش دست‌اندرکاران حفاظت محیط زیست برای در نظر گرفتن اهدافی والاتر از آنچه جامعه جهانی بر آن اجماع کرده است، نیست.

نتیجه

در مجموع و با استناد به تجارب موجود و مباحث طرح شده می‌توان چنین ابراز کرد:

۱. بدون توجه به محیط زیست، حقوق بشر نمی‌تواند بطور کامل درک و اجرا شود. به عنوان مثال، حقوق بهداشت، غذا، شرایط کار ایمن و عدم تبعیض، نمی‌تواند بدون توجه به جنبه‌های محیط زیستی آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، استفاده از آفت‌کشها، تجارت

بین‌المللی مواد آلی پایدار (POPs)، آلودگی هوا در محیط‌های بسته یا احداث تأسیسات دفع مواد زائد خطرناک در میان جوامع فقیر، تحقق یابد.

۲. رهیافت حقوق بشر به برنامه‌ریزی محیط زیست، هنوز در حال تکوین است و تلاش‌های زیادی برای شکل دهی به آن و اجرای مؤثر آن لازم است.

۳. رهیافت حقوق بشر، بر موضوع برنامه‌ریزی محیط زیست، نحوه برنامه‌ریزی و دلایل این برنامه‌ریزی، اثر گذار است. بارزترین ویژگی این رهیافت، مفهوم شناسایی مسئول یا مسئولین در برابر حقوق مورد مطالبه افراد است. به طور سنتی، موضوع برنامه‌ریزی حفظ (یا تغییر) وضعیتی است که به تشخیص دولت یا توافق ذینفعان، مطلوب (یا نامطلوب) فرض شده است، بدون آنکه مشخص شود که آیا وضعیت مطلوب، تضمین کننده حقوق افراد است یا منافع آنها؟ و به تبع آن، تعریف واضحی از مسئولیت‌ها ارائه نمی‌شود و امکان ضایع شدن یا تحدید حقوق افراد را به وجود می‌آورد. در واقع، همواره، منافع افراد یا گروه‌ها، معادل حقوق آنها نیست.

۴. از آنجا که حقوق انسانی، جهانی بوده و نبود یا ضعف آنها، کرامت انسانی را تهدید می‌کند؛ همچنین چون این حقوق به یکدیگر وابسته‌اند و از وجود انسان غیر قابل جدا شدن هستند به نحوی که اگر کسی آن را مطالبه نکرد، باز هم صادقند و رعایت، صیانت و تحقق آنها الزامی است. از این رو نمی‌توان آنها را در سلسله مراتب اهمیت، دسته‌بندی کرد و بخشی از حقوق انسانی را به بهانه تحقق بخش دیگری از حقوق، زیر پا گذاشت. چیزی به نام حقوق پایه و حقوق متعالی وجود ندارد، لذا رهیافت حقوق بشر کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی به صورتی همه جانبه‌نگر تدوین و اجرا شود.

۵. به طور سنتی، تعهدات در برنامه‌ها، برخاسته از تشخیص برنامه‌ریزان است. اگر گروه برنامه‌ریزی، به موضوعاتی خاص، اهمیت داد و موضوعات دیگر را کم اهمیت‌تر یا فاقد اهمیت تشخیص داد، دامنه تعهدات خود را تعیین کرده است و این دامنه، از سر لطف و تشخیص گروه برنامه‌ریزی است. به عبارت دیگر، در این رهیافت‌ها چیزی به نام وظیفه و تکلیف وجود ندارد و واژه "مسئولیت" جای خود را به "وعده انجام" می‌دهد. بنابراین، جمله **"دولت، در برنامه خود، سیاست اجرایی خاصی را برای حفاظت از کیفیت منابع آب اتخاذ نکرده است و اولویت را به تکثیر گونه‌های در معرض انقراض داده است"** که در رهیافت خردگرا بر اساس درجه بندی اهمیت و اولویت بندی اقدامات، متداول است، در رهیافت حقوق بشر، چنین ترجمه می‌شود: **"دولت ترجیح داده است، وظیفه خود را در قبال حفظ و بهبود کیفیت منابع آب، از خود سلب نماید و آن را فراموش کند"**.

۶. در رهیافت حقوق بشر به برنامه‌ریزی محیط زیست، تأمین حقوق انسانی، هدف

برنامه‌ریزی است. لذا در برابر هر حق به رسمیت شناخته شده‌ای، مسئولیتی برای افراد، گروهها و نهادها وجود دارد که به روشنی نیازمند به انجام رساندن آن است. در این ره‌یافت، مسئولیت‌های افراد، گروهها و نهادها، در برابر برخی حقوق به رسمیت شناخته شده، کم اهمیت و در برابر برخی دیگر پر اهمیت نیست. از آنجا که همه حقوق انسانی، تفکیک ناپذیر و به یکدیگر وابسته‌اند، لازم است مسئولیت‌ها در برابر همه حقوق انسانی، شناسایی شوند، و مسئولین، برای به انجام رساندن مسئولیتشان، توانمند شوند. از این رو، ره‌یافت حقوق بشری بر مبنای تعیین اهداف، روش دستیابی به اهداف و فرایند برنامه‌ریزی و نتایج حاصل از اجرای برنامه اثر گذار است.

۷. در ره‌یافت حقوق بشر، مسئولین، نه تنها مجاز به اقدامات خاص برای به انجام رساندن مسئولیت‌شان هستند، بلکه موظف به اقدام و نیز حصول نتیجه‌اند. در این ره‌یافت، پشتیبانی مؤثر از تحقق حقوق بشری، وظیفه‌ای بایستی است، نه صرفاً تعهدی پذیرفته شده از سر خواست (لطف) دولت یا توافقی که پایبندی به آن ملاحظات خاص خود را دارد. به بیان دیگر، در این ره‌یافت، تحقق حقوق بشر، به وعده‌ای برای تأمین متصل نیست بلکه رعایت، صیانت و یا تحقق حق، همواره با مسئولیت و تکلیفی بایستی، همراه است.

۸. دستیابی به اهداف و حصول نتایج در ره‌یافت حقوق بشر به برنامه‌ریزی محیط زیست، نه تنها بواسطه تقسیم وظایف، و یا تخصیص منابع، بلکه از طریق همیاری و توانمندسازی مسئولین ممکن می‌شود.

۹. در این ره‌یافت، توجه به فرایند برنامه‌ریزی، به اندازه نتایج برنامه‌ها اهمیت دارد. چرا که تحقق بخشی از حقوق به رسمیت شناخته شده انسانی، در گرو فرایند برنامه‌ریزی است. نتایج برنامه‌ها نیز در ره‌یافت حقوق بشر معطوف به عدالت و عدم تبعیض هستند.

امروزه میلیون‌ها نفر در جهان بواسطه تغییرات آب و هوا، درگیر مشکلاتی نظیر کاهش درآمد، خسارات جانی و مالی ناشی از خشکسالی و سیل و بیماری هستند (مخدوم، ۱۳۸۱، ص ۱۱ و ۱۲). مسائل محیط زیستی باعث کاهش دسترسی هزاران نفر به غذای سالم و کافی و آب آشامیدنی بهداشتی شده است. روزانه، سلامت و حیات هزاران انسان بواسطه پسماندهای خطرناک رها شده در محیط، آلودگی هوا و آب و خاک تهدید می‌شود. در این شرایط است که گفته کوفی عنان (هفتمین دبیر کل سازمان ملل متحد ۲۰۰۶-۱۹۹۷)، در گزارش هزاره (UN DOC A/59/2005) خود، تقویت می‌شود که "مسئولیت زندگی سالم و سیاره پایدار برای کودکان و کودکان کودکان، نه تنها با بیان حقوق بشر سازگار است، بلکه در تحقق آن نیز اجتناب ناپذیر است".

رهیافت حقوق بشر به برنامه‌ریزی محیط زیست، نه تنها فراهم آوردن محیط زیستی سالم و کمک به رهایی از فقر و گرسنگی و بیماری و دیگر مصادیق نقض حقوق بشر، متأثر از کم توجهی به محیط زیست، را در مرکز توجهات خود دارد، بلکه این رهیافت در حقیقت، نگرشی برای ارج نهادن به کرامت انسان‌هاست. لذا با توجه به اینکه کنفرانس توسعه‌ی پایدار ملل متحد که در اواخر خرداد سال ۱۳۹۱ و در بیستمین سالگرد اجلاس ریو با هدف بازنگری سیاست‌ها و تعهدات بین‌المللی مورد توافق اجلاس ریو برگزار می‌گردد، مقتضی است به تلاش برای حفظ محیط زیست از دیدگاه حقوق بشری توجه بارزتری شود.

منابع و مأخذ

الف - فارسی

۱. الماسی، ضیاء الدین (۱۳۸۵) رویکرد حقوق بشر به برنامه‌ریزی مشارکتی با تکیه بر تجارب روش‌شناختی طرح مدیریت یکپارچه منابع آب و خاک - حبله رود. سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور. سمینار برنامه‌ریزی توسعه مشارکتی آب و خاک ۲۸ لغایت ۳۰ بهمن ۱۳۸۵ - سمنان.
۲. مخدوم، مجید (۱۳۸۱) تدوین سند میانی‌اندیشه‌ای برنامه چهارم، شناخت گزینه مطلوب در چشم‌انداز توسعه کشور. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: مرکز مدارک علمی و انتشارات.
۳. مصفا، نسرتین (۱۳۸۳) مقدمه در وکیل، امیر ساعد و پوریا عسکری نسل سوم حقوق بشر، حقوق همبستگی. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

ب - خارجی

- 1- *African (Banjul) Charter on Human and Peoples' Rights* (Adopted 27 June 1981, OAU Doc. CAB/LEG/67/3 rev. 5, 21 I.L.M. 58 (1982), entered into force 21 October 1986).
- 2- Annan, K. (1999) *Secretary-General's Statement to the Commission on Human Rights*. 55th Session, Geneva, 7 April 1999.
- 3- CIDA (1996) *Capacity Development: the concept and its implementation in the CIDA context*. Discussion paper. Hull.
- 4- Dryzek, J. (1990) *Discursive Democracy: Politics, Policy and Political Science*. Cambridge University Press: Cambridge.
- 5- E/1986/3/Add.9.
- 6- European Commission (2002). *Project Cycle Management Handbook*. European Commission, EuropeAid Co-operation Office. Prepared by: PARTICIP GmbH, Germany In collaboration with FTP International Ltd., Helsinki, Finland.
- 7- Fischer, F. (2006) *Participatory Governance as Deliberative Empowerment: The Cultural Politics of Discursive Space*. American Review of Public Administration. Volume 36 Number 1, March 2006, pp. 19-40.
- 8- Frank, David John. (2007). *World Society, NGOs and Environmental Policy Reform in Asia*. International Journal of Comparative Sociology, Vol. 48, No. 4.
- 9- Hashemi Rad, Mohammad Ali (2005) *A Study of the Alternative Political Economy Perspectives on State Intervention in the Iranian Economy*, An unpublished Ph.D. Thesis, Center for Economic Studies and Planning, Jawaharlal Nehru University, New Delhi.
- 10- *Johannesburg Declaration on Sustainable Development*, agreed to at the World Summit on Sustainable Development, Johannesburg, South Africa 26 August - 4 September 2002 (A/Conf.199/L.6/Rev. 2).
- 11- Jonsson, Unban (2003) *Human Rights Based Approach to Development Programming*. UNICEF. Eastern and Southern Africa Regional Office.

- 12-Lister, Sarah (2003) *NGO Legitimacy*. Critique of Anthropology, Vol. 23, No. 2.
- 13-Rydin, Yvonne (2003) *Conflict, consensus, and rationality in environmental planning: an institutional discourse approach*. Oxford University Press INC. New York.
- 14-Ryland, Diane. (2005). *The Evolution of Environmental Human Rights in Europe*. Managerial Law. Volume 47 Number 3/4.
- 15-Stone C. (1989) *Regime Politics: Governing Atlanta 1946-1988*. University of Kansas Press: Lawrence.
- 16-*The Additional Protocol to the American Convention on Human Rights in the area of Economic, Social and Cultural Rights*. San Salvador, November 17, 1988.
- 17-*The Convention on the Rights of Persons with Disabilities* adopted by the UN General Assembly on 13 December 2006 and opened for signature on 30 March 2007.
- 18-*The Convention on the Rights of the Child*. New York, November 20, 1989.
- 19-*The Millennium Development Goals* (MDGs) were developed out of the eight chapters of the United Nations Millennium Declaration, signed in September 2000.
- 20-*The Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms* (also called the "European Convention on Human Rights" and abbreviated "ECHR"), was adopted under the auspices of the Council of Europe in 1950.
- 21-*The International Covenant on Civil and Political Rights* (ICCPR) created on 16 December 1966 and entered into force on 23 March 1976.
- 22-*The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights* (ICESCR) adopted by the United Nations General Assembly on December 16, 1966, and in force from January 3, 1976.
- 23-*The RIO Declaration on Environment and Development*, The United Nations Conference on Environment and Development, Having met at Rio de Janeiro from 3 to 14 June 1992.
- 24-*The United Nations Conference on the Human Environment*, having met at Stockholm from 5 to 16 June 1972.
- 25-*The Vienna Declaration and Programme of Action*, GA/CONF.157/23, adopted by the World Conference on Human Rights on 25 June 1993.
- 26-Unicef (1993) *Evaluation of Unicef* Initiated by the Governments of Australia, Canada, Denmark, and Switzerland.
- 27-United Nations (1993) *Agenda 21: Earth Summit – The United Nations Programme of Action from Rio*. United Nations publications. USA.
- 28-*UN Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women*, Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 34/180 of 18 December 1979.
- 29-UN DOC A/59/2005.
- 30-*U.N. Resolution on the Need to Ensure a Healthy Environment for the Well-Being of Individuals*, Dec. 14, 1990, G.A. Res. 45/94, U.N. GAOR, 45th Sess., Supp. No. 49, at 123,
- 31- U.N. Doc. A/45/94 (1991).